

جمهوری ترکمنستان

مهدی ذوالفقاری*

سجاد سلامت**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۲/۲۴

چکیده: جمهوری ترکمنستان یکی از کشورهای مهم و اثرگذار در حوزه قفقاز به شمار می‌رود. مختصات ژئوپولیتیکی که ترکمنستان در آن واقع شده است به اهمیت این کشور در حوزه منطقه‌ای افزوده است. این کشور در نزدیکی دریای خزر و در همسایگی قزاقستان، ازبکستان و ایران است. قرار گرفتن ترکمنستان در جغرافیای مناسب منجر به افزایش مناسبات اقتصادی از طریق زمین، هوا و دریا با همسایگان این کشور شده است. از طرف دیگر وجود منابع نفت و گاز به امتیاز این کشور نسبت به کشورهای منطقه افزوده است. سیاست خارجی بی‌طرفانه این کشور و شناسایی آن از طرف سازمان ملل به نقش این کشور در حوزه معادلات منطقه‌ای افزوده و باعث شده است که این کشور همواره حفظ سیاست بی‌طرفانه خود را در اولویت قرار دهد. در این مقاله علاوه بر پرداختن به مسائل انرژی و جغرافیایی کشور ترکمنستان به روابط این کشور با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله ایران خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: جمهوری ترکمنستان، انرژی، سیاست خارجی، قدرت‌های بین‌المللی و

منطقه‌ای، وضعیت اقتصادی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۲، دانشگاه امام صادق (ع).

** کارشناس مطالعات منطقه‌ای.

مقدمه

ترکمن‌ها از ۶ هزار سال پیش در منتهی‌الیه منطقه شمالی سواحل دریاچه اشیق گل، در کنار سیر دریا و رود جیحون اقامت داشته‌اند. سرزمین ترکمنستان از دیرباز مسکونی بوده و از قرن ششم تا چهارم قبل از میلاد بخشی از امپراتوری هخامنشیان محسوب می‌شد و سپس تابع اشکانیان گردید. با ضعف امپراتوری اشکانیان در قرن سوم میلادی، ترکمنستان به کنترل دولت ساسانی درآمد. تصور می‌رود که دولت چین جهت تضعیف دولت ساسانی با ترکان غربی متحد شده بود و در مقابل دولت ساسانی ترکان شرقی را در برابر چینی‌ها تقویت نموده باشد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۰: ۹۰).

ترکمن‌ها از نوادگان اغوز به شمار می‌روند و در کتیبه‌های اورخون از اغوز نام برده می‌شود. با مصطلح شدن نام ترکمن بتدریج عنوان اغوز که نام عامه ترکمن‌ها به شمار می‌رفت از تداول افتاد. قبایل ترک از قرن پنجم و ششم میلادی در نواحی جنوب باختری آسیای مرکزی رخنه کرده بودند. در قرن هفتم میلادی دسته‌های اغوز از ناحیه اورخون به سوی نواحی آرال و سیر دریا کوچ کردند و به سرزمین جیحون و قره قوم رسیدند (شیخ عطار، ۱۳۷۱، ۱۴۸).

اولین رئیس‌جمهور ترکمنستان نظام کمونیستی آتابایف بود که دست به اقدام‌های سازنده‌ای زده است. در شهریور ۱۳۶۹ ترکمنستان پایه‌پای استقلال کشورهای آسیای مرکزی اختیارات بیشتری به دست آورد و در ۴ آبان ۱۳۷۰ با رأی‌گیری همگانی به استقلال دست یافت و صفر مراد نیازوف در تیرماه ۱۳۷۱ به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده و لقب ترکمن‌باشی را از آن خود کرده و توانست ۲۱ سال بر ترکمنستان حکومت کند (سارلی، ۱۳۷۳: ۱۷). پس از مرگ نیازوف در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶، بردی محمداف بجای وی منصوب گشته و تغییراتی را در تعامل ترکمنستان با جامعه جهانی پدید آورد. این تغییرات در حوزه‌های متعدد منطقه‌ای، بین‌المللی، اقتصادی و انرژی رخ داده و بر اهمیت ساختار ژئواستراتژیک ترکمنستان افزوده است. از این رو در مقاله ذیل تلاش می‌گردد ابعاد پیدا و پنهان شاخصه‌های مهم و تأثیرگذار ترکمنستان شناسایی و معرفی شود.

۱- نگاهی به وضعیت اقتصادی ترکمنستان

۱-۱- سیستم حمل و نقل هوایی

سیستم هوایی ترکمنستان وابسته به ۶۴ فرودگاه می‌باشد که ۱۳ عدد از آنها فاقد قابلیت پروازی هستند. در میان ۲۰۰ فروند هواپیمای باقی مانده از دوران اتحاد جماهیر شوروی در مسیرهای خارجی و داخلی (تاشاور، ماری، چارگو و ترکمن‌باشی) تردد می‌کنند (روشندل، ۱۳۷۸: ۹۶).

۱-۲- سیستم حمل و نقل زمینی

بر اساس آمار موجود ترکمنستان دارای ۲۳۵۰۰ کیلومتر جاده اصلی و فرعی بوده و سیستم ریلی آن نیز دارای ۲۱۳۴ کیلومتر وسعت می‌باشد. خط راه آهن اصلی ترکمنستان از بندر کراسنووورسک (ترکمن‌باشی)^۱ در حاشیه دریای خزر آغاز شده و پس از عبور از عشق‌آباد^۲ و استان‌های ماری و چارگو در شرق به راه آهن‌های سراسر کشورهای همسایه یعنی تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و روسیه متصل می‌گردد. از پروژه‌های مهم راه آهن ترکمنستان می‌توان به خط آهن تجن - سرخس - مشهد اشاره کرد که در سال ۱۹۹۲ قرارداد آن بسته شد و در سال ۱۹۹۶ به بهره‌برداری رسید. این خط راه آهن با طولی بالغ بر ۳۰۸ کیلومتر که ۱۳۲ کیلومتر آن از خاک ترکمنستان عبور می‌کند بر اهمیت نقش ترانزیتی ترکمنستان افزوده است (محمودی، ۱۳۸۱، ۹۸).

یکی دیگر از پروژه‌های عظیم ترانزیتی ترکمنستان موسوم به خط آهن "ایران - ترکمنستان - قزاقستان" می‌باشد. ساخت راه آهن "ایران - ترکمنستان - قزاقستان" که توافق اولیه آن در بیست دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۵ بین "نور سلطان نظربایف" و "قربان‌قلی بردی محمداف" در بندر ترکمن‌باشی صورت گرفت و در نشست بیست و چهارم مهر همان سال به امضاء رؤسای جمهوری "ایران، ترکمنستان، قزاقستان" در نشست تهران رسید، در سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری خواهد رسید. راه آهن "قزاقستان - ترکمنستان - ایران" بخشی از کریدور ارتباطی بین‌المللی شمال - جنوب است. این خط آهن که از دشت‌های قزاقستان شروع می‌شود، با عبور از صحرای قره قوم ترکمنستان به منطقه کوهستانی گلستان

ایران خواهد رسید. طول این مسیر ۹۰۰ کیلومتر است که از این مجموع ۷۰۰ کیلومتر در خاک ترکمنستان، ۹۰ کیلومتر در خاک ایران و مابقی در خاک قزاقستان ریل گذاری خواهد شد. با احداث این خط راه آهن جدید، در نهایت سالانه هشت تا ۱۲ میلیون تن کالا از طریق این خط راه آهن جابجا خواهد شد و مدت زمان حمل و نقل کالا از طریق کشورهای آسیای مرکزی و حتی قفقاز به کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا بیش از ۴۸ ساعت کاهش خواهد داد. ترکمنستان پیش از این قرار داد بدلیل نبود راه مواصلاتی کوتاه و نزدیک به خاورمیانه، خاور دور و اروپا بناچار از راههای زمینی و دریایی روسیه و چین استفاده می کرد که به دلیل مسافت زیاد چندان صرفه اقتصادی برای این کشورها ندارد. احداث این خط راه آهن منافع زیادی را به دلیل وجود منابع مهم نفت و گاز و کالاهای معدنی و نیز حق ترانزیت، نصیب ترکمنستان در آینده خواهد کرد و قزاقستان می تواند از طریق مسیر جدید راه آهن، فلزات، نفت، محصولات نفتی و گندم را صادر نماید و محموله بازگشتی نیز می تواند فرآورده های صنایع شیمیایی و مواد غذایی ایران باشد. هم اکنون ارتباط ریلی کشورهای آسیای مرکزی به ویژه روسیه از طریق "قزاقستان - ازبکستان - ترکمنستان - ایران" انجام می شود که راه نسبتاً طولانی است ولی با احداث خط راه آهن جدید بیش از ۶۰۰ کیلومتر از مسافت قبلی کاسته خواهد شد.

کارشناسان اقتصادی همچنین از خط راه آهن جدید بنوعی به عنوان احیاء جاده ابریشم قدیم یاد می کنند و معتقدند که احداث خط راه آهن "ایران - ترکمنستان - قزاقستان" تحول بزرگی در عرصه حمل و نقل بین قاره ای ایجاد خواهد کرد (خبرگزاری ایرنا، ۸۶/۹/۱۰).

۱-۳ - سیستم حمل و نقل دریایی

حمل نقل آبی دریای خزر و قسمتی از رودخانه آمو دریا تا شهر مرو و کانال قره قوم را در بر می گیرد. بندر ترکمن باشی که یکی از پنج بندر بزرگ دریای خزر می باشد در شمال شرقی ساحل دریای خزر و در کوهپایه سلسله جبال کوپه داغ قرار دارد و دارای نقش اساسی در حمل و نقل جمهوری ترکمنستان است. این بندر از سال ۱۹۶۲ مجهز به کشتی های مخصوص حمل قطار شد و در واقع پل ارتباطی با باکو گردید (روشندل،

۱۳۷۸: ۹۴). مسافرت با کشتی در مسیرهای خاصی از کانال قره قوم، رودخانه جیحون و همچنین بین بندر ترکمن باشی (کراسنودسک سابق) و سایر بنادر ساحلی دریای خزر انجام می‌گیرد.

۲- منابع انرژی ترکمنستان

۲-۱- معادن و منابع در ترکمنستان

جمهوری ترکمنستان دارای معادن غنی مواد خام معدنی با منشاء رسوبی از جمله نفت، گاز، موم کوهی و سولفات می‌باشد. معادن غنی گوگرد در قسمت مرکزی قره قوم از ترکمنستان این منطقه را به عنوان تنها منبع تأمین‌کننده گوگرد مورد نیاز شوروی تبدیل کرده بود. امکان اکتشاف معادن جدید گوگرد زمین‌شناسان روس را در نواحی مختلف ترکمنستان پراکنده ساخت و سرانجام معادن غنی‌تر گوگرد نیز در منطقه گوآراداغ در جنوب شرقی ترکمنستان کشف گردید و توانست پس از ۳۰ سال بهره‌برداری از منابع قره قوم را متوقف سازد. در کوپت داغ غربی که دارای تنها معادن باریت و ویتريت اتحاد شوروی سابق است ذخایر فراوانی از این مواد با ارزش و غیر فلزی یافت می‌شود. در ترکمنستان سولفات استرونیسیم که سنگ معدنی نیمه شفاف است، فسفوریت، بنتونیت و انواع مواد رنگی معدنی و سنگ‌های معدنی وجود دارند. در ناحیه کوگیتانگ تائو معادن غنی سرب و روی و جیوه کشف گردیده و مورد استخراج و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. شن قره قوم برای صنایع شیشه‌سازی ماده خام با ارزشی است. مشکل بزرگ ترکمنستان از نظر صدور منابع معدنی در این است که هر چند بخش اعظم درآمد ارزی این جمهوری‌ها از صدور این مواد بدست می‌آید ولی بدلیل سیاست‌های استعمارگرایانه بلشویک‌ها صدور این مواد بدون هیچ‌گونه عمل‌آوری و یا ارزش‌افزایی خاصی صورت می‌گیرد (مفتاح، ۱۳۷۴: ۹۰).

۲-۲- اهمیت منابع انرژی ترکمنستان آسیای میانه

مجموع ذخایر اثبات شده گاز در مجموعه کشورهای همسود ۵۶/۷ تریلیون متر مکعب است که ۳۷/۸ درصد ذخایر جهانی را تشکیل می‌دهد. روسیه با ۴۸/۱۴ تریلیون متر مکعب



و ترکمنستان با ۲/۸۶ تریلیون متر مکعب از مهمترین دارندگان ذخایر گاز منطقه می‌باشند (عیسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳-۴). این در حالی است که مقامات ترکمنستان بارها با بزرگنمایی میزان ذخایر گاز خود را در حد ۶ تا ۱۰ میلیارد متر مکعب برآورد می‌کنند که در بدو استقلال کشور این اقدام به همراهی دولت‌های غربی از جمله شرکت‌های آمریکایی همراهی می‌شد اما اکنون جریان غالب محسوب نمی‌شود. در مجموع ترکمنستان دومین تولید و مصرف کننده بزرگ گاز منطقه به شمار می‌رود و قریب به ۱۷ درصد از کل مصرف منطقه به این کشور اختصاص یافته است. ذخایر نفتی ترکمنستان بالغ بر ۵۰۰ میلیون بشکه برآورده شده است که این حجم از ذخایر نفتی هر چند نسبتاً کم محسوب می‌شود ولی برای کشوری با ۵ میلیون نفر جمعیت مناسب می‌باشد. همچنین این کشور با در اختیار داشتن ۲/۵ درصد ذخایر جهانی گاز از اهمیت انرژی بالایی برخوردار شده است (رابرتز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

۲-۳ - منابع نفت و گاز ترکمنستان

منابع انرژی نفت و گاز نیز یکی دیگر از مزیت‌های ترکمنستان محسوب می‌شود. منابع گاز طبیعی ترکمنستان در ردیف ۱۰ کشور اول جهان قرار دارد. ذخایر ثابت شده نفت ترکمنستان در حدود ۱/۴ میلیارد بشکه (۲/۱ درصد کل ذخایر نفت اتحاد شوروی) می‌باشد و ذخایر نفت قابل استحصال واقعی آن حداقل ۴/۲ میلیارد بشکه برآورد می‌شود. این کشور دومین ذخایر گاز طبیعی را در اتحاد شوروی سابق با ۲/۹ تریلیون متر مکعب دارا می‌باشد (نورولایف، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

ترکمنستان دارای دو پالایشگاه در چارگو و کراسنودسک (بندر ترکمن‌باشی) می‌باشد. طرح بازسازی این پالایشگاه‌ها تا ظرفیت روزانه ۳۶۰۰۰۰ بشکه در روز از جمله اقدام‌های دولت ترکمنستان می‌باشد (کاظم پور اردبیلی، ۱۳۷۶: ۹۰). مهمترین میادین نفت و گاز ترکمنستان عبارتند از:

- میدان لینانوف^۴ در دریای خزر که میدانی نفتی می‌باشد.
- میدان بارینف^۵ که در مجاورت میدان لینانوف قرار گرفته و میدانی گازی می‌باشد.
- میدان شفق^۶ که در دریا قرار گرفته و از میادین نفتی محسوب می‌شود.

- میدان گوپکین^۷ که در مجاورت شفق قرار داشته و ذخیره‌ای در حدود ۶۲۴ میلیون بشکه نفت را داراست. طرح توسعه این میدان با حفر ۲۱ حلقه چاه در دست اقدام دولت ترکمنستان قرار دارد.

- میدان لام^۸ که ذخیره قابل استحصال آن ۱۱۸ میلیون بشکه نفت و ۷۰۴ میلیارد فوت گاز است. این میدان از سال ۱۹۷۲ با حفر ۵۸ حلقه چاه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

- میدان چلکن^۹ که دارای نفت و گاز توأمان می‌باشد.

- میدان سردار^{۱۰} که آذربایجان آن را کپز نامیده و مورد اختلاف دو کشور در مرز دریایی خزر می‌باشد (روشندل، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

- میدان آمو دریا که حدود ۴۰ درصد ذخایر حوزه مرغاب را در بر می‌گیرد.

حدود ۸۵ درصد گاز تولید توسط شرکت دولتی ترکمن گاز و بقیه را شرکت ترکمن نفت تولید می‌کنند و ذخایر عمده این کشور در مناطق شمال شرقی قرار گرفته‌اند (عیسی‌زاده، ۱۱/۵/۸۷: ۳-۴). صادرات عمده گاز ترکمنستان به شرکت گاز پرم روسیه انجام می‌گیرد، که از میزان ۶۲ میلیارد متر مکعب گاز تولیدی در سال ۲۰۰۶، نزدیک به ۵۵ میلیارد متر مکعب آن به روسیه صادر شده است. روسیه موافقت نموده که حوزه جدید گازی در ترکمنستان را توسعه داده، خطوط انتقال جدیدی را به منظور افزایش صدور گاز به روسیه احداث نماید، قیمت خرید گاز از ترکمنستان را افزایش دهد و سرمایه‌گذاری هنگفتی را در تأسیسات زیربنایی شرکت دولتی ترکمن گاز انجام دهد.

چین در حال ساخت بزرگ‌ترین خطوط انتقال از میان آسیای مرکزی است تا از منابع ترکمنستان بهره‌برداری کند. ترکمنستان همچنین حدود ۱۰ درصد محصول گاز خود را به ایران می‌فروشد. همچنین ترکمنستان و آذربایجان به عنوان شرکای مهم و حامی خط لوله جدید مشترک اروپا - آمریکا که خط لوله روسیه را کنار خواهد زد و به اروپا متصل خواهد نمود، قلمداد می‌شوند.



ترکمنستان ادعا می‌کند که به قدر کافی گاز دارد که خط لوله‌های جدیدی را احداث نماید و نه تنها احتیاجات روسیه را برآورده نماید، بلکه گاز خود را به چین، اروپای غربی، ایران و هند نیز صادر نماید.^{۱۱}

۳- مسیرهای انتقال انرژی ترکمنستان

در شرایط کنونی مسیرهای مختلف جهت متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی ترکمنستان در نظر گرفته شده است:

- مسیر غرب: این مسیر ملقب به مسیر ترانس کاسپین بوده و مورد حمایت شدید آمریکا و اتحادیه اروپا می‌باشد. اجرای این خط لوله که منوط به رفع اختلافات موجود بین ترکمنستان و آذربایجان در زمینه منابع نفتی مشترک واقع در خزر می‌باشد از یک طرف وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه را کاهش داده از طرف دیگر نیز باعث متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی ترکمنستان خواهد شد. این خط لوله ۱۰۲۰ مایلی از بستر خزر عبور کرده و قادر به انتقال ۵۶۵ میلیارد فوت مکعب گاز در سال خواهد بود. از مهمترین چالش‌های پیش‌روی آن مخالفت ایران و روسیه با احداث آن و امکان آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از آن می‌باشد. برآورد ساخت این خط لوله بالغ بر ۳ میلیارد دلار می‌باشد.

- مسیر جنوب شرق: این مسیر که معروف به مسیر ترانس افغان می‌باشد، نیز به شدت مورد حمایت آمریکا می‌باشد. بر این اساس برنامه‌ریزی شده است که گاز ترکمنستان از منطقه دولت‌آباد این کشور پس از پیمودن مسیر افغانستان به پاکستان و سپس هندوستان وارد گردد. این خط لوله از دولت‌آباد ترکمنستان آغاز شده و از طریق هرات به مولتان پاکستان خواهد رسید. این خط لوله در صورت تحقق مسیر ۸۷۰ مایلی را با ظرفیت انتقال ۷۰۰ میلیارد فوت مکعب در سال انتقال خواهد داد. برآورد هزینه این طرح نیز بیش از ۲ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. مجریان این طرح دو شرکت یونوکال و دلتا اوایل بودند که یونوکال در سال ۱۹۹۷ از این پروژه کناره‌گیری کرد اما دلتا اوایل با حمایت‌های عربستان بدلیل همبستگی‌های اعتقادی با کشورهای این منطقه همچنان دنبال شد (رابرتز، ۱۳۸۱: ۱۴۷). از سوی دیگر ایالات متحده به دو علت از این طرح حمایت می‌کند:

یک. احداث این خط لوله ضرورتها و نیازهای موجود در زمینه احداث خط لوله انتقال گاز ایران به پاکستان و هندوستان را کم‌رنگ کرده، در جهت تلاش آمریکا در زمینه منزوی کردن ایران می‌باشد.

دو. احداث این خط لوله سلطه انحصاری روسیه در بخش انرژی ترکمنستان را کاهش می‌دهد. این وضعیت نیز از راهبردهای اساسی ایالات متحده در رابطه با انرژی منطقه می‌باشد.

این طرح به علت مشکلات امنیتی موجود در افغانستان و از طرف دیگر به علت شباهت موجود در زمینه ظرفیت واقعی میدان گازی دولت آباد ترکمنستان، اجرای آن تا به امروز وارد مرحله اجرایی نشده است.

- مسیر شرقی: این مسیر گاز ترکمنستان را به چین می‌رساند. در این زمینه نیز در آوریل ۲۰۰۴ میلادی در زمان حیات صفر مراد نیازف رئیس‌جمهور سابق ترکمنستان قرارداد سی‌ساله بین ترکمنستان و چین منعقد شد. بر اساس این قرارداد ترکمنستان از سال ۲۰۰۹ میلادی سالیانه یک میلیارد متر مکعب گاز به چین صادر خواهد کرد. رئیس‌جمهور جدید ترکمنستان هم در روز هفدهم ژوئای ۲۰۰۷ در سفر به چین و دیدار با رئیس‌جمهور و سایر مقامات بلندپایه چین خود را متعهد به اجرای توافق مذکور دانست. بر اساس قرارداد منعقد شده بین بردی محمداف و هو جین تائو رؤسای جمهور دو کشور، چین در عملیات اکتشاف گاز در سواحل رودخانه آمودریا سرمایه‌گذاری خواهد کرد. حجم منابع گازی این میدان ۱/۷ تریلیون متر مکعب بر آورد می‌گردد.^{۱۲}

- خط لوله مرکز آسیای مرکزی: این خط لوله نیز در صورت تحقق انرژی ترکمنستان و ازبکستان را از طریق قزاقستان به ساروتف روسیه و خط لوله گاز طبیعی این کشور متصل می‌نماید. ظرفیت در نظر گرفته شده برای این خط لوله ۳/۵ تریلیون فوت مکعب در سال در نظر گرفته شده است.

- خط لوله پیشنهادی قزاقستان ترکمنستان و ایران: بر اساس این طرح پیشنهادی قزاقستان و ترکمنستان از طریق خاک ترکمنستان به جزیره خارک در ایران متصل می‌شود.

طول این خط پیشنهادی ۹۳۰ مایل بوده و بر اساس آن سالانه ۱ میلیون بشکه نفت آسیای میانه به بازارهای جهانی وارد خواهد شد (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

- سیستم گاز پروم: این سیستم یکی از موارد اصلی بر جای مانده از دوران شوروی سابق است که شبکه لوله‌های گاز ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان را به روسیه متصل می‌سازد و بازارهای قفقاز، اوکراین و اروپای شرقی و مرکزی را پوشش می‌دهد.

- خط کور پدژه - کردکوی: این خط را ایران در سال ۱۹۹۷ به طول ۲۰۰ کیلومتر احداث کرد تا میدان‌های گاز ترکمنستان را در نزدیکی کورپدژه واقع در کرانه شرقی دریای خزر به سیستم توزیع گاز یاران در کردکوی وصل کند. ظرفیت انتقال این خط در حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد متر مکعب در سال است (رابرتز، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

- طرح پیشنهادی عبور گاز از ایران: پیشنهادهایی برای احداث خط لوله عظیمی که گاز ترکمن‌ها را از طریق ایران به ترکیه و اروپا برساند از اوایل دهه ۹۰ مورد توجه جدی قرار گرفت و مرحوم نیازف در سال ۱۹۹۴ طی مراسمی ظاهراً عملیات این خط را گشود اما در حقیقت هنوز هیچ بخشی از این پروژه ساخته نشده است. در فوریه ۱۹۹۸ یعنی زمانی که شرکت شل یادداشت تفاهمی با ترکمنستان امضاء کرد تا حق تکمیل پروژه را بدست آورد هزینه این پروژه را ۴ میلیارد دلار برآورد کرده بود. شرکت شل پس از انجام مطالعات مختلف به این جمع‌بندی دست یافت که مسیر ایران از نظر هزینه کار عملی از نقطه آغاز تا مرز ترکیه در حدود ۶۰۰ میلیون دلار ارزان‌تر از خط لوله‌ای که از میان دریای خزر بگذرد تمام می‌شود. این خط لوله در صورت تحقق؛ می‌توانست سالانه ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه برای مصرف داخلی این کشور و ۱۴ میلیارد متر مکعب به بازارهای اروپای مرکزی و جنوبی ارسال کند (رابرتز، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

۴- سیاست خارجی و روابط بین‌المللی ترکمنستان

۴-۱- موضع بین‌المللی بی طرفی

روز ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ در تاریخ مردم ترکمن با خط طلایی نوشته شده است. این همان روزی است که سازمان ملل متحد وضعیت بی طرفی ترکمنستان را به رسمیت شناخت. در

جهان فقط سه کشور ترکمنستان، اتریش و سوئیس هستند که موضع بی طرفی را اتخاذ کرده‌اند. اما موضع بی طرفی کشور ترکمنستان تنها از طرف سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. شناخت بی طرفی دائمی ترکمنستان که به عنوان سیاست خارجی این کشور مطرح است، یکی از موفقیت‌های عمده ترکمنستان مستقل و یکی از پیروزی‌های صفرمراد ترکمنباشی است. از آغاز تشکیل ترکمنستان جوان و بی طرف، سیاست خارجی این کشور بر مبنای حسن همجواری، مهمان نوازی و عشق به صلح در روابط بین‌المللی مطرح شده است. با توجه به این موارد جهت‌گیری‌های کیفی در عرصه‌های دیپلماسی و روابط بین‌الملل، به این تمدن جدید اضافه شده است. در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵، ۱۸۵ دولت شرکت کننده در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آرا به قطعنامه ۵۰/۸۰ رای دادند که بی طرفی دائمی ترکمنستان را تأیید می‌کند. این قطعنامه از بی طرفی ترکمنستان حمایت کرده و می‌گوید که این امر به معنای احترام و حمایت از موضع ترکمنستان و شناسایی استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی آن است. در این قطعنامه از ترکمنستان به عنوان کشور تاریخی نام برده می‌شود که تبدیل به مرکز صلح در عرصه بین‌المللی شده است. این امر تصادفی نیست، چون ترکمنستان سیاست بی طرفی خود را بر مبنای تحلیل جامع مرتبط و مهم ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بنا کرده است. عوامل اقتصادی در ترکمنستان با جمعیت بیشتر از پنج میلیون، وسعت زیاد و منابع سرشار این کشور را جذاب می‌کند. موقعیت ژئواستراتژیک ترکمنستان با ذخایر هیدروکربن فراوان به طور طبیعی توجه قدرت‌های عمده جهان را به خود جلب می‌کند.

در بیان ریشه‌های موضع بی طرفی بایستی به موقعیت جغرافیایی ترکمنستان دقت نمود. در طول بسیاری از قرن‌ها، ترکمنستان مسیر عبور از شرق به غرب و از شمال به جنوب بوده است. ترکمنستان محل عبور جاده ابریشم بشمار می‌رفت که راه صلح و گفتگو میان اقوام مختلف در طول بیش از پانزده قرن بوده است. تمام این امور به روحیه منحصر به فرد و ویژه ترکمن‌ها مربوط می‌شود که پتانسیل فکری لازم را ایجاد کرده است تا بتواند به عنوان نیرویی جلو برنده، فرهنگ ترکمن‌ها را در میان سایر تمدن‌ها یاری کند.

اولین بار رئیس‌جمهور نیازف در سال ۱۹۹۲ بحث سیاست خارجی را مطرح کرد. در دهم جولای همان سال صفرمراد نیازف در کنفرانس سازمان امنیت و همکاری اروپا و هلسینسکی گفت که سیاست خارجی ترکمنستان بر مبنای بی‌طرفی و عدم مداخله در مسایل داخلی دیگر کشورها بنا شده است و در این راستا ترکمنستان سیاست خارجی خود را دنبال می‌کند.

۴-۲- بی‌طرفی ترکمن‌باشی تا موازنه مثبت محمداف

در زمان حکومت صفر مراد نیازف^{۱۳} بر ترکمنستان وی در جهت جلب رضایت دو قدرت اصلی رقیب در ترکمنستان یعنی آمریکا و روسیه، تلاش داشت از طریق اعطای موقعیت‌های برابر به دو کشور فوق، رضایت همزمان هر دو قدرت را کسب نماید. این سیاست که شباهت زیادی به سیاست شاهان ایران در دوران قاجاریه داشت، باعث ایجاد یک موازنه مثبت در زمینه دامنه و عمق نفوذ و حضور دو کشور فوق در ترکمنستان شد. با به قدرت رسیدن محمد قلی بردی محمداف در ترکمنستان یکی از سؤالات مطرح در رابطه با این کشور، سمت و سوی آینده سیاست خارجی این کشور در رابطه با آمریکا و روسیه بوده است. در این چارچوب درحالی‌که برخی از کارشناسان با اشاره به برخی از رویکردهای بردی محمداف از تمایل وی به سمت روسیه خبر می‌دهند، برخی دیگر نیز با عنایت به تغییرات ایجاد شده در مناسبات ایالات متحده و ترکمنستان در چند ماه اخیر حضور سیاسی آمریکا در ترکمنستان را امیدوار کننده ارزیابی می‌کنند.^{۱۴} بر اساس همین وضعیت نیز، رئیس‌جمهور جدید ترکمنستان در ماه‌های اخیر صراحتاً از تمایل کشورش برای حضور پررنگ در برخی از نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و حتی عضویت در برخی از سازمان‌ها که سابقاً ترکمنستان در آن عضویت نداشته است خبر داده است. در این چارچوب نیز حضور رئیس‌جمهور ترکمنستان در اجلاس سران کشورهای عضو جامعه همسود (کشورهای مستقل مشترک‌المنافع) و اعلام تمایل ترکمنستان برای عضویت مؤثر در مجمع اقتصادی اورآسیا در این جهت ارزیابی می‌گردد.

اعلام تمایل رئیس‌جمهور جدید ترکمنستان جهت حضور در اجلاس سازمان‌های اقتصادی و حتی سیاسی منطقه‌ای نشان دهنده این است که تعریف وی از استراتژی بی‌طرفی با تعریف سلف وی تفاوت اساسی دارد. به هر ترتیب با توجه به سابقه ارتباطات قوی سیاسی و اقتصادی ترکمنستان با کشورهای عضو جامعه همسود، بازگشت مجدد ترکمنستان به ترتیبات سیاسی - اقتصادی منطقه تأثیر به‌سزایی در خروج ترکمنستان از انزوای خودساخته دوران نیازف خواهد داشت.^{۱۵}

بردی محمداف در روزها و ماههای آغازین ریاست جمهوری خود از یک طرف جهت تضمین منافع روسیه در زمینه انرژی ترکمنستان پیشنهاد داد، خط لوله جدید انتقال گاز به این کشور از سواحل دریای خزر احداث گردد. رئیس‌جمهور جدید ترکمنستان از طرف دیگر نیز بصورت همزمان از شرکت آمریکایی شورون خواست در صنایع نفت و گاز این کشور حضور فعال‌تری داشته باشد. اعلام آمادگی بردی محمداف برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق مسیر ترانس کاسپین (مسیر مورد حمایت آمریکا که گاز ترکمنستان را از بستر دریای خزر به جمهوری آذربایجان خواهد رساند) نیز در همان روزهای اولیه تحلیل‌گران را به این نتیجه رساند که وی هم خواهان تداوم سیاست موازنه مثبت در رابطه با روسیه و آمریکا می‌باشد.

۴-۳- اختلاف ترکمنستان و آذربایجان

تفاوت دیدگاه‌های جمهوری آذربایجان و ترکمنستان درباره تقسیم دریای خزر باعث شده که آنها بر سر مالکیت چند حوزه نفتی به شدت با هم اختلاف داشته باشند. عشق‌آباد و باکو بیش از همه بر سر مالکیت یک میدان نفتی غنی که ترکمن‌ها آنرا "سردار" و آذربایجان آنرا "کپز" می‌خوانند با هم اختلاف نظر دارند. در جریان دیدار ماه گذشته رئیس‌جمهوری ترکمنستان و "روجر خینس" رئیس شرکت کانادایی "بورید خیلانرژی" گفت و گوهایی درباره مشارکت این شرکت در اکتشاف و تولید نفت و گاز از میدان نفتی "سردار" انجام گرفت. مقام‌های ترکمنی می‌گویند، در گفت و گو با آذری‌ها، منافع ملی این کشور که منطبق با اصول، مقررات و حقوق بین‌المللی می‌باشد، مد نظر آنها بوده است. به گفته تحلیل‌گران موضع سخت دوطرف درباره

مواضع خود امید دستیابی به یک توافق در کوتاه مدت را مشکل کرده است. در نظر دولت ترکمنستان دستیابی به توافق جمعی بین کشورهای ساحلی درباره رژیم حقوقی خزر تنها ابزار مطمئن به حل اختلاف‌های موجود در این دریا بوده و تکیه بر اقدام‌های انفرادی و یکجانبه به افزایش مشکلات می‌انجامد.

دولت ترکمنستان در دومین نشست سران کشورهای حاشیه دریای خزر در عشق‌آباد به طور مستقیم و با لحنی تند از سیاست‌های جمهوری آذربایجان درباره رژیم حقوقی دریای خزر انتقاد کرده بود. عشق‌آباد، دولت باکو را متهم کرده بود که در مسئله تقسیم بستر و زیر بستر دریا مخالف قوانین و مقررات بین‌المللی عمل کرده و توجه‌ای به آنها ندارد. مطبوعات ترکمنستان هماهنگ با بیانیه وزارت خارجه نقشه‌ای را به چاپ رساندند که در آن آبهای ساحلی دریای خزر بر پایه مدل مورد نظر دولت این کشور تقسیم شده بود. بر پایه این نقشه ترسیمی مناطق مورد اختلاف دو کشور در دریای خزر متعلق به ترکمنستان دانسته شده بود.

اختلافات سال‌های اخیر باکو و عشق‌آباد در شیوه تقسیم خزر می‌باشد که بر حول دو محور استوار است:

یک. جمهوری آذربایجان بر تقسیم براساس خط میانه اصرار دارد اما ترکمنستان اصرار دارد که حدود مرزها باید توسط خط واسط انجام گیرد.

دو. محور دوم این اختلاف به استناد آنها به مفاد حقوق دریاها در مورد شرایط فلات خزری مربوط می‌شود که ترکمنستان بر اساس آن مدعی است محدوده بخش ترکمنستان از منطقه‌ای که بر اساس تقسیم سابق داخلی در اتحاد شوروی بوده است فراتر می‌رود و سهم ترکمنستان چیزی بیش از ۲۰ درصد خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۳۳).

برخی تحلیل‌گران معتقدند کشورهای غربی از جمله آمریکا با فشار بر دولت آذربایجان تلاش دارند تا از فرصت پیش آمده پس از مرگ نیازف بهره‌جسته و ضمن جلب اعتماد ترکمنستان به غرب از طریق آذربایجان و حل و فصل اختلافات مرزی این دو کشور در خزر به اهداف ذیل دست یابند:

- انزوای ایران در طرح بهره‌برداری مشاع از خزر و توافق همه‌جانبه بر سر تقسیم آن
- تضمین و تثبیت انتقال انرژی ترکمنستان به بازارهای اروپا
- راه‌اندازی خط لوله ترانس خزر و کنار زدن ایران و روسیه در آینده امنیت انرژی منطقه (نادرپور، ۱۳۸۱: ۲۱۰).

۵- قدرت‌های درجه دو حاضر در آسیای میانه

۵-۱- هند

تمایل هند به نفوذ در آسیای میانه از نیازهای انرژی این کشور از یکسو و لزوم مهار چین از سوی دیگر ناشی می‌شود. علاوه بر حضور نظامی هند در تاجیکستان این کشور برای منطقه به مثابه الگوی سیستم دموکراتیک و کنترل غیرنظامی نیروهای مسلح مطرح است. از سوی دیگر هند توانسته با نفوذ سیاسی خود در آسیای میانه ضمن دستیابی به بازارهای اقتصادی این منطقه، بر وزن سیاسی و وجهه جهانی خود بیافزاید و در این زمینه از رقیب دیرین خود پاکستان پیشی بگیرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۳۸).

۵-۲- ژاپن

دومین قدرت درجه دو حاضر در آسیای میانه ژاپن است که به منابع انرژی منطقه چشم دوخته است. در سال‌های آینده، آسیای مرکزی نقش محوری را در امنیت انرژی ژاپن ایفا خواهد کرد. با اصلاح قانون ممنوعیت اعزام نیرو به خارج از کشور، ژاپن در آینده نقش مهم‌تری را در تحولات جهان به ویژه منطقه آسیای میانه برعهده خواهد گرفت. از سوی دیگر، حضور ژاپن در آسیای مرکزی به مثابه وزنه متوازن کننده در برابر پیمان‌شانگهای خواهد بود.

۵-۳- پاکستان

پاکستان سیاست اصلی خود را بر محور اهداف اقتصادی و بازرگانی با کشورهای آسیای میانه و ترکمنستان قرار داده و همچنان در اولویت نخست به دنبال تأمین منافع اقتصادی خویش است و به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین این اهداف انتقال نفت و گاز ترکمنستان از طریق افغانستان و پاکستان به بازارهای بین‌المللی است که در آمد ترانزیتی



قابل توجهی را به سوی پاکستان سرازیر خواهد کرد (روشندل، ۱۳۷۸، ۱۶۳). مهمترین مشکل بر سر راه این خواسته پاکستان؛ عدم امنیت در افغانستان و نبود حکومت دلخواه پاکستان پس از حمله نیروهای متحد به رهبری آمریکا و سقوط طالبان می‌باشد. در صورت تحقق آرزوی پاکستان در انتقال گاز ترکمنستان، این کشور قادر خواهد بود علاوه بر افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود بر کشورهای ترکمنستان و افغانستان، در زمینه گاز ایران و انتقال آن به هند از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار شود. همچنین پاکستان می‌توانست با استفاده از کارت ایران (همسویی با غرب در محدودسازی بازارهای فروش گاز ایران در منطقه) برای معاملات سیاسی با غرب و آمریکا در جهت جلب حمایت آنان از موضع پاکستان در مناقشه کشمیر با هند بهره‌برداری کند.

سومین بهره پاکستان در صورت تحقق خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان را می‌توان در ایجاد و تحکیم محور سلفی‌گری در منطقه دانست. این محور متشکل از عربستان، پاکستان و افغانستان در کنار جذب اهل سنت صوفی مسلک و حنبلی ترکمنستان توان تشکیل یک اتحاد سیاسی تأثیرگذار در منطقه و حتی در سطح جهان اسلام را برای آنان فراهم می‌آورد که تمامی این دستاوردها با حمله آمریکا به افغانستان متوقف شد.

۵-۴- ترکیه

سیاست ترکیه نیز بر این پایه استوار است که نوع حکومت خود را به عنوان دموکراسی پیشرفته و غیر مذهبی برای این جمهوری‌ها الگو قرار دهد و از طرف دیگر پیشرفت‌های صنعتی نه چندان مطلوب خود را به الگوی سیاسی اقتصادی این کشورها تبدیل کرده و منافع سیاسی و اقتصادی خود را تأمین نماید. در بعد فرهنگی نیز گسترش پان ترکیسم و تشکیل حکومت فرهنگی تورانیان از بالکان تا چین را باید در روابط ترکیه با کشورهای منطقه مدنظر داشت (روشندل، ۱۳۷۸: ۱۶۴). در سوی دیگر ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی و ظهور زمینه‌های فرهنگی و تاریخی برای نفوذ ایران در منطقه آسیای میانه ترکیه را به عنوان آلترناتیوی مناسب و رقیبی تاریخی برای ایران وارد میدان کرد. ترکیه با کمک‌های مالی و سیاسی آمریکا توانست به صورت سلاحی مناسب در مقابل محرک‌های

مذهبی ایران در آسیای مرکزی نفوذ کند. اهمیت نفوذ ترکیه در این منطقه برای آمریکا تا بدانجا بود که جیمز بیکر، وزیر خارجه وقت آمریکا آن را ضروری‌ترین اقدام برای مهار نفوذ ایران در منطقه خواند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲).

۵-۵- عربستان

سیاست اصلی عربستان در قبال گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ترکمنستان رواج و هابیت است که با توجه به بعد مسافت و عدم سابقه حضور در ترکمنستان اهداف عربستان با مشکلاتی مواجه است. شایان ذکر است عربستان به توجه به درآمدهای سرشار نفتی خود توانایی پیگیری خواسته‌های مورد نظر را در حوزه آسیای میانه و ترکمنستان از راه‌های فرهنگی نظیر احداث مساجد؛ کمک‌های مالی به جریان‌ات و فرق مورد تأیید، ساخت مدارس دینی، برقراری ارتباطات مذهبی با رهبران حنبلی مذهب ترکمنستان به عنوان منشأ اصلی و هابیت داراست (روشندل؛ ۱۳۷۸، ۱۶۴). از سوی دیگر عربستان در دوران حکومت طالبان در افغانستان ضمن افزایش تلاش‌های خود را بی‌نفوذ در کشورهای منطقه از طرح شرکت دلتا اوایل آمریکا به شدت حمایت سیاسی نمود. اهمیت این طرح برای عربستان که طی آن گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان می‌رسید از آنجا نشأت می‌گرفت که محور اسلامی افراطی و سلفی مورد قبول عربستان در قالب محوری مشترک شکل می‌یافت و شمال، شرق و جنوب ایران را به عنوان یکی از مهمترین دشمنان ایدئولوژیکی و هابیت مهار می‌ساخت (رابرتز، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

۵-۶- اتریش

روابط اتریش با ترکمنستان همانند آلمان با این کشور آسیای مرکزی فعال نیست و به همین دلیل "وین" فاقد سفارتخانه در عشق‌آباد است. ولی قرار است در صورت نهایی شدن احداث خط لوله سه هزار و ۲۰۰ کیلومتری تا باکو، گاز کشورهای حوزه دریای خزر بویژه ترکمنستان از طریق ترکیه، رومانی، بلغارستان و مجارستان به اتریش صادر شود. هم‌اکنون شرکت‌های "مایترو اینترنشنال" و "دلتا" اتریش مشغول فعالیت اکتشاف و استخراج نفت در حوزه "چلکن" دریای خزر هستند. "ولادلن بادیتان" رئیس گروه شرکت‌های

نفتی "دلنا" اتریش نیز در سفر سال گذشته به ترکمنستان در زمینه چگونگی گسترش همکاری این شرکت با این کشور آسیای مرکزی دیدار و گفت و گو کرد. شرکت نفتی "دلنا" در قالب یک کنسرسیوم با شرکت ملی "ترکمن نفت" در طرح‌های توسعه حوزه نفتی "خزر" در غرب ترکمنستان براساس موافقتنامه تقسیم محصول فعالیت می‌کند و تا به حال بیش از دو میلیون تن نفت خام تولید کرده است. شرکت نفتی "مایثرو" نیز در طرح‌های اکتشافی و حفاری میدین نفت و گاز بخش ترکمنی دریای خزر فعالیت می‌کند. همچنین ترکمنستان در طول یک سال گذشته با انعقاد قراردادهایی، قرار است چندین هزار تن لوله‌های نفت و گاز از اتریش خریداری کند (ایرنا ۸/۲۸/۸۷).

۶- روابط ایران و ترکمنستان

جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کشورهایایی بود که استقلال ترکمنستان را به رسمیت شناخت. ایران در سال‌های آغازین استقلال این کشور کمک‌های قابل توجهی در جهت تثبیت حاکمیت تازه استقرار یافته این کشور انجام داد. منافع متقابل موجود بین دو دولت و علقه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی از جمله عواملی بود که در پایه‌گذاری مناسبات دوستانه ایران و ترکمنستان نقش غیر قابل انکاری داشت. مهم‌ترین دلایل اهمیت ویژه ترکمنستان برای جمهوری اسلامی ایران مرزهای مشترک و طولانی دو کشور، ظرفیت‌های اقتصادی ترکمنستان در زمینه نفت و گاز، موقعیت ترکمنستان جهت تسهیل در ورود ایران به آسیای مرکزی و مواضع مشابه دو کشور در مسائل مختلف از جمله مسائل دریای خزر می‌باشد. در نقطه مقابل نیز ایران به دلایلی چون نقش غیر قابل انکارش در حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای، جایگاه ایران در دستیابی ترکمنستان به آب‌های گرم و آزاد و توانمندی ایران برای ترانزیت انرژی ترکمنستان به بازارهای مصرف برای ترکمنستان حائز اهمیت می‌باشد (بوالوردی، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۵).

۶-۱- بررسی روابط سیاسی دو کشور

در بیان روابط سیاسی ۲ کشور و رشد آن در سال‌های اخیر میتوان به تعدد سفرهای دیپلماسی میان ۲ کشور توجه کرد. در حالی که در سال ۸۵، ۱۶ هیئت از جمهوری اسلامی ایران به کشور ترکمنستان سفر کرده‌اند، در سال ۸۶، سفر ۴۱ هیئت از ایران به آن کشور را

صورت گرفته و تا ۵ ماه نخست سال ۱۳۸۷ نیز بیش از ۲۵ هیئت ایرانی به ترکمنستان سفر کرده‌اند. رفت و آمد اتباع دو کشور در سال‌های اخیر افزایش چشم‌گیر داشته و به طور متوسط سفارت ایران در عشق‌آباد در روز بیش از ۱۰۰ ویزا صادر می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۷). ایران یکی از طولانی‌ترین مرزهای خشکی خود را با ترکمنستان دارد در حالی که مرز ۱۲۰۰ کیلومتری ایران و ترکمنستان امن‌ترین مرز ایران با کشورهای همسایه است و هرگز مشکل امنیتی در مرزهای این کشور دیده نشده است.

۶-۲- جایگاه ترانزیتی ترکمنستان برای ایران

ترکمنستان برای ایران دروازه آسیای مرکزی است و خط ریلی سرخس نیز تنها شاهراه عبور کشورهای این حوزه به مناطق دیگر منطقه است، در واقع ایران دروازه آسیای میانه است. در حال حاضر سالانه رقمی بالغ بر حدود ۴۲ هزار کامیون ایرانی به ترکمنستان وارد می‌شوند اما از جمله نقاط قابل توجه در حوزه مناسبات تجاری و اقتصادی دو کشور، بخش مربوط به روابط ریلی دو کشور است که به پیشنهاد دولت ترکمنستان و با موافقت جمهوری اسلامی ایران، پروژه احداث خط لوله جدیدی در دست مطالعه دو طرف قرار گرفته که از گرگان به ترکمنستان، سپس به قزاقستان و نهایتاً به خط ریل سراسری روسیه متصل خواهد شد. در سال ۲۰۰۲ میلادی ترکمنستان از طریق خط راه آهن مشهد - سرخس - تجن بیش از دو نیم میلیون تن کالای خود را به بازارهای مصرفی روانه داشته است (نرجه، ۱۳۸۰: ۳۳).

۶-۳- مبادلات تجاری ایران و ترکمنستان

هم اکنون حجم مبادلات ما با ترکمنستان یک و هشت دهم میلیارد دلار است که از این مقدار یک و چهار دهم میلیارد دلار صرف خرید گاز و نفت از ترکمنستان می‌شود و ما هم ۴۰۰ میلیون دلار به آنها صادرات داریم. از جمله اقلام تجاری میان ایران و ترکمنستان می‌توان به صادرات مواد غذایی و کالاهای مصرفی از ایران به ترکمنستان و واردات مصالح ساختمانی و محصولات صنایع سبک از این کشور اشاره نمود. در حوزه‌های خدمات فنی مهندسی ایران با احداث بزرگراه ۵۰ کیلومتری میان عشق‌آباد و گوگ تپه در

سال ۱۳۸۰ و همچنین ساخت سد دوستی بروی رودخانه تجن که عملیات عمرانی آن از سال ۱۳۷۹ آغاز و در سال ۱۳۸۵ به بهره‌برداری رسید و طی آن بیش از ۲۰ هزار هکتار از زمینه‌های کشاورزی تحت آبیاری قرار گرفتند گام‌های بلندی را در جهت تقویت مناسبات اقتصادی با ترکمنستان برداشته است (نرجه، ۱۳۸۰: ۳۴).

۶-۴- همکاری‌های انرژی ایران و ترکمنستان

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری اقتصادی ایران و ترکمنستان در حوضه انرژی می‌باشد که این بخش در سه زیر مجموعه برق، گاز و بنزین تعریف می‌گردد. ایران هم اکنون روزانه ۲ میلیون لیتر بنزین از ترکمنستان وارد می‌سازد و صادرات اصلی به ترکمنستان را ماشین‌آلات، لوازم یدکی، خشکبار، میوه و خاکه‌های معدنی تشکیل می‌دهد (فرقانی، ۱۳۸۷).

در زمینه تولید انرژی الکتریکی نیز ترکمنستان توانست با استفاده از مزیت‌های جغرافیایی خود، با احداث نیروگاه‌های تولید برق حرارتی با سوخت فسیلی در سال ۲۰۰۳ میلادی پانزده و هجده دهم مگاوات ساعت برق تولید کند که از این میان پنج و یک دهم مگاوات ساعت آن را به کشورهای همسایه صادر نموده است. در این میان از جمله مهمترین مشتریان تبادل انرژی الکتریکی تولیدی در ترکمنستان ایران می‌باشد که برای حل بحران کمبود برق در طول فصول خشک سال به خرید برق از همسایگان شمالی خود روی می‌آورد (بوالوردی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). در زمینه گاز نیز ترکمنستان طی قراردادی در سال ۲۰۰۱ تعهد نمود سالانه ۸۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به ایران صادر نماید. این قرارداد برای ایران به دلیل فاصله منابع انرژی تا مناطق مصرفی در نواحی شمالی کشور حائز اهمیت بوده و در طول فصول سرد سال مانع از افت فشار و یا قطعی گاز در مناطق پر جمعیت شمالی کشور می‌شد. اما با بروز برخی اختلافات در نحوه قیمت‌گذاری گاز وارداتی از ترکمنستان این کشور در سرمای زمستان سال ۱۳۸۶ گاز صادراتی خود به ایران را متوقف کرده و ایران را در وضعیت بحرانی وارد نموده و مناطق شمالی کشور از جمله استان‌های گیلان و مازندران را در وضعیت فوق‌العاده فرو برد (نرجه، ۱۳۸۰: ۳۴).

۶-۵- موانع توسعه روابط ایران و ترکمنستان

در حالی که بیش از یک دهه از استقلال جمهوری ترکمنستان می‌گذرد روابط اقتصادی ایران و ترکمنستان به نقطه مطلوب دو طرف نرسیده است. از عوامل مؤثر بر این نارسایی می‌توان موارد ذیل را بر شمرد:

- عدم همکاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری ایران در ترکمنستان.
- ضعف سیستم بانکی ترکمنستان و عدم توسعه آن.
- تمایل بیشتر ترکمنستان به مبادله غیر نقدی بوده در حالی که بخش بازرگانی ایران این نوع مبادله را مناسب ندانسته و متمایل به معاملات نقدی است.
- حضور رقبای قدرتمند مانند ترکیه، روسیه، عربستان و پاکستان.
- ترکمنستان بیشتر تمایل دارد تا به جای واردات کالاهای ساخته شده در این کشور سرمایه‌گذاران به صورت ساخت کارخانجات صورت گیرد.
- در ایران بعلت عدم شناخت این کشور توسط سرمایه‌گذاران و بازرگانان تمایل چندانی به حضور در این کشور وجود ندارد.
- مخالفت آمریکا به ارتباط کشورهای منطقه با ایران و احتیاط این کشورها در برقراری ارتباط با ایران (بوالوردی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

۷- ترکمنستان و مسائل دریای خزر

دریای خزر که پنج کشور فدراسیون روسیه، آذربایجان، ایران، ترکمنستان و قزاقستان در آن ساحل دارند، سیصد و هفتاد و شش هزار کیلومتر مربع مساحت داشته و دریای بسیار بزرگی محسوب می‌گردد. طول این دریا از شمال تا جنوب بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر و عرض آن از شرق تا غرب در حدود ۵۲۰ کیلومتر می‌باشد. عمق دریای خزر از پنج متر تا ۱۲۰۰ متر تغییر نموده و عمق متوسط آن ۱۸۴ متر برآورد گشته است. نوار ساحلی دریای خزر ۷۰۱۰ کیلومتر حساب شده که ۲۳۴۰ کیلومتر آن به قزاقستان، ۱۹۳۰ کیلومتر به روسیه، ۱۲۰۰ کیلومتر به ترکمنستان، ۱۲۰۰ کیلومتر به آذربایجان و ۶۵۰ کیلومتر نیز در مرزهای ایران قرار دارد.^{۱۶} حدود ۱۵۰ رودخانه بزرگ و کوچک به دریای خزر می‌ریزند که

بزرگترین و معروفترین آنها رودهای ولگنا، اورال، سامور، کورا، ارس، گرگان رود، سفیدرود می‌باشند (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۴۴).

با شکل‌گیری جمهوری‌های تازه در حوضه دریای خزر همسایگان نیز در تعیین محدوده مرزهای خود و حیطه حاکمیت‌شان دچار مشکل بودند. علی‌الخصوص سه کشور جنوبی دریای خزر یعنی ایران، ترکمنستان و آذربایجان در مورد تعیین حیطه حاکمیت خود در دریای خزر اختلاف‌نظراتی داشتند. علاوه بر این روسیه که خود را باقیمانده و وارث نظام شوروی می‌دانست، بدنبال حفظ برتری خود در جهت استفاده از منابع انرژی در دریای خزر بوده تا سنت دیرین حاکم بودن بر سه کشور تازه استقلال یافته را ادامه دهد.

ذخایر گاز دریای خزر حدود ۴ درصد از ذخایر گاز جهان را تشکیل می‌دهد. ۴۵ درصد از گاز دریای خزر از آن قزاقستان، ۴۴ درصد ترکمنستان، ۱۰ درصد آذربایجان و ۲ درصد سهم روسیه است؛ اما ایران به دلیل عدم انجام عملیات استکشافی در این دریا سهمی از گاز کشف شده خزر ندارد. ۱/۳۲ درصد ذخایر جهانی گاز سهم روسیه و ۳/۱۵ درصد سهم ایران است که این ارقام غیرقابل چشم‌پوشی‌اند. انتظار می‌رود در آینده تولید گاز نقش فزاینده‌ای در تولیدات دریای خزر داشته باشد و کم‌کم این منطقه به جای آن که محل صدور نفت باشد به محل صدور گاز تبدیل خواهد شد. همچنین براساس انتظارات ۴۴ درصد از تولیدات احتمالی دریای خزر در سال ۲۰۱۴ مربوط به تولید گاز خواهد بود (شکورپور، ۱۳۸۷: ۱۲). در آن میان آذربایجان در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ بدون توجه به رژیم حقوقی موجود که بهره‌برداری یکسویه از آبهای دریای خزر را منع می‌کرد کنسرسیوم بین‌المللی نفت را تشکیل داد. ۸ کمپانی انگلیسی، آمریکایی و نروژی با تشویق دولت‌های خود قراردادهای نفتی با جمهوری آذربایجان به امضار رساندند که به پروژه قرن شهرت یافت و این اولین اقدام در آغاز رقابت کشورهای حاشیه خزر در بهره‌برداری از منابع انرژی خزر نام گرفت (نادرپور، ۱۳۸۱: ۲۰۹). از آن پس سه کشور استقلال یافته ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان به همراه کشورهای ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در فکر تدوین تعیین رژیم حقوقی خزر برآمدند. هرچند از

نظر حقوق بین‌الملل و براساس کنوانسیون وین هر گاه بخش یا بخش‌هایی از سرزمین کشوری تبدیل به یک یا چند کشور جدید شود آنها ملزم به اجرای تعهدات پیشین هستند، ولی تلاش برخی کشورهای تازه استقلال یافته جهت تدوین رژیم حقوقی این دریا بدلیل نداشتن ارتباط با دریای دیگر که مختص به پنج کشور بوده، شروع شده است. در این چارچوب دولت ترکمنستان هم از بدو استقلال تمرکز ویژه‌ای را بر مسائل آن داشته است. موضع اصلی و اولیه دولت ترکمنستان در رابطه با دریای خزر ضرورت کسب اتفاق آرا در رابطه با مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر می‌باشد. در این زمینه این موضع‌گیری نزدیکترین موضع‌گیری؛ به مواضع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. اگر چه تاکنون توافق همه‌جانبه‌ای بین ۵ کشور ساحلی جهت تقسیم منابع دریا صورت نگرفته است ولی در ماه می سال ۲۰۰۳ سه کشور روسیه، آذربایجان و قزاقستان با امضای تفاهم‌نامه، ۶۴٪ شمالی دریای خزر را به طور نامساوی بین خود تقسیم کردند که سهم قزاقستان ۲۷٪، روسیه ۱۹٪ و آذربایجان ۱۸٪ بوده است. نمایندگان ایران و ترکمنستان با وجودی که در این جلسه حضور داشتند، از امضای تفاهم‌نامه خوداری کردند. نکته قابل ذکر در رابطه با مواضع دولت ترکمنستان این است که در دو سال اخیر این دولت هم تمایلاتی به سمت توافق دو طرفه با کشورهای ساحلی نشان داده است (رابرتز، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

۸- روابط ترکمنستان با قدرت‌های جهانی

۸-۱- روابط ترکمنستان با روسیه

روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان وارث آن همواره سعی نموده با در پیش گرفتن سیاست‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی سلطه سابق را بر جمهوری‌های تازه استقلال یافته تحمیل نماید. از این منظر روسیه با در پیش گرفتن سیاست دکترین مونروئه روسی منطقه آسیای میانه را همچون آمریکای لاتین که حکم حیات خلوت آمریکا را داراست، تلقی کرده و بدین منظور از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند. به عنوان مثال حق روسیه در حمایت از اتباع روس تبار ساکن در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی با اهداف زیر و در قالب دکترین مونروئه روسی صورت می‌پذیرد:

- قبولاندن تابعیت مضاعف برای اتباع روس.
 - ارزش برابر قائل شدن برای زبان روسی با زبان‌های محلی.
 - حفظ پیوندهای سنتی اقتصادی برای اعمال فشار.
 - توجیه کمک‌های روسیه به اتباع و حامیان منطقه‌ای خود.
 - تأمین خواسته‌های روسیه در تولیدات انرژی و کنترل خطوط انرژی.
 - توجیه دخالت در منازعات قومی و داخلی کشورهای منطقه و ایفای نقش حافظ صلح در منطقه (ریوکین، ۱۳۷۴: ۴۵۵).
- روسیه سیاست‌های کلان خود را بر دو راهبرد کلی در منطقه آسیای میانه استوار ساخته است:

یک. ایجاد بلوک‌های چند جانبه: از جمله مهمترین این پیمان‌های می‌توان از پیمان دفاع مشترک و تقویت سازمان همکاری‌های شانگهای و یا سازمان همکاری‌های کشورهای مشترک‌المنافع یاد کرد. در این حوزه ترکمنستان بسیار محتاط عمل کرده و در دوران نیازف این امر از شدت عمل بیشتری برخوردار بود.

دو. روابط دو جانبه: در این زمینه نیز روسیه با تأکید بر همکاری‌های ترانزیتی، انتقال انرژی ترکمنستان به بازارهای بین‌المللی و مشارکت در تعیین رژیم حقوقی خزر گام‌های بلندی را به منظور نزدیکی با ترکمنستان برداشته است (روشندل، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

۸-۱-۱- روابط اقتصادی و انرژی روسیه با ترکمنستان: افزایش وابستگی روسیه به گاز آسیای میانه خود به خود انضباط قیمت‌گذاری را در بازار ایجاد می‌کند و احتمال نمی‌رود روسیه به دلایل رقابتی اجازه انتقال سریع گاز آسیای میانه به طور مستقیم به بازارهای اروپا را بدهد. بدین منظور دولت روسیه در مواجهه با کشور ترکمنستان در راستای اهداف خود از آن به عنوان نقش تولید و تأمین‌کننده گاز منطقه از جمله اوکراین، روسیه، گرجستان و آذربایجان (به طور خاص تا سال ۲۰۰۶) بهره‌برداری تولید کند. این تئوری امروزه با گردش در سیاست‌های دولت ترکمنستان در دوران بعد از نظربایف تا حدودی

با مشکل مواجه گشته و مشتریان بین‌المللی گاز از جمله ایران، چین و اتحادیه اروپا باعث اختلال در سیاست‌های این کشور گردیده‌اند (عیسی‌زاده، ۱۳۸۴: ۳-۴).

روسیه طی ۲۵ سال از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۹ دو تریلیون متر مکعب گاز وارد خواهد نمود که در سال‌های نخست (دو سال اول) ۶ تا ۱۰ میلیارد متر مکعب و از سال ۲۰۰۷ به بعد بین ۶۰ تا ۸۰ میلیارد متر مکعب خواهد بود. از نکات حائز اهمیت در این قرارداد تعیین قیمت هر هزار متر مکعب گاز در حدود ۴۴ دلار به صورت ۵۰ درصد نقد و ۵۰ درصد نقد و ۵۰ درصد کالا و خدمات و پس از آن قیمت‌گذاری مجدد بر اساس توافق طرفین خواهد بود. به نظر می‌رسد که بخشی از افزایش حجم گاز وارداتی توسط شرکت گاز پروم پس از سال ۲۰۰۷ به اوکراین صادر می‌شود و برای تحقق این قرار داد احداث خط لوله جدید ضروری می‌نماید که این موضوع توسط مقامات اوکراین و گاز پروم مورد توافق قرار گرفته است. به هر حال دریافت گاز ترکمنستان برای روسیه نه تنها به دلایل ژئوپلیتیک حائز اهمیت است بلکه ذخایر گاز این جمهوری صادرات بلندمدت روسیه را تضمین می‌کند و این اجازه را به شرکت گاز پروم روسیه می‌دهد که توسعه حوزه‌های پرهزینه دریایی خود در اقیانوس منجمد شمالی، اروپایی شمالی و سبیری غربی را به آینده موکول نماید.

۸-۲- روابط ترکمنستان با اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا به طور مشخص در حوزه انرژی و خرید گاز از ترکمنستان و احداث خط لوله ترانس خزر در چارچوب طرح نوباکو همکاری‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی را با ترکمنستان آغاز نموده است. اما بخش قابل توجه‌ای از اقدامات اتحادیه اروپا برای برقراری ارتباط و نفوذ در کشورهای منطقه آسیای میانه در اقدامات نظامی و سیاسی ناتو خلاصه می‌گردد. ترکمنستان تنها کشوری است که در منطقه آسیای میانه تنها در برنامه‌های همکاری فردی با ناتو مشارکت کرده و از همکاری نظامی اجتناب می‌ورزد. سیاست پرهیز از همکاری نظامی با کشورها و اتحادیه‌های مختلف از سال ۱۹۹۵ و با نظر ترکمن‌باشی آغاز گردید و همچنان از سوی جانشین وی بردی محمد اف دنبال می‌شود.

ناتو تاکنون برای جلب اعتماد ترکمنستان راه‌های مختلفی را آزموده است که در سایر کشورها با موفقیت روبه‌رو بوده اما در ترکمنستان همچنان ناکارا جلوه می‌کند. از جمله سیاست‌های تشویقی ناتو به ترکمنستان می‌توان به پیشنهاد کمک‌های مالی و نظامی اشاره نمود. اما عاملی که مانع از حرکت ترکمنستان به سمت همکاری با ناتو می‌شود احساس خطر از امکان دخالت ناتو در مسائل داخلی این کشور می‌باشد. در حال حاضر همکاری‌های ناتو با ترکمنستان به همکاری‌های مرزی، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم معطوف می‌شود. ناگفته پیداست که بخش زیادی از این همکاری‌ها نیز در چارچوب حمله به افغانستان و دوران پس از طالبان تحقق یافته است.

کارشناسان به منظور افزایش نفوذ اتحادیه اروپا و ناتو در ترکمنستان و تحقق اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی از رابطه با این کشور راه کارهای ذیل را پیشنهاد می‌کنند:

- پرهیز از ورود به مسائل داخلی ترکمنستان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت.
- افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنایع مادر نظیر نفت و گاز.
- عدم رقابت با سازمان همکاری‌های شانگهای در منطقه به منظور پرهیز از تحریک کشورهای منطقه.
- تلاش به منظور میانجی‌بین‌المللی در حل مناقشات منطقه‌ای از جمله اختلافات مرزی (جانوس، ۱۳۸۶: ۱۱۵).
- در بیان مزایای نفوذ اتحادیه اروپا در قالب ناتو در کشور ترکمنستان می‌توان موارد ذیل را برشمرد:
- تنگ کردن حلقه محاصره ناتو در اطراف ایران.
- فشار بر دولت ترکمنستان در احداث خط لوله ترانس خزر و کنار گذاردن ایران و روسیه از معادلات انرژی منطقه.
- مبارزه با رشد روز افزون اسلام‌گرایی در منطقه پس از فروپاشی نظام شوروی.
- تثبیت و تنوع بخشی به منابع انرژی اروپا.

۸-۳- روابط ترکمنستان با چین

با فروپاشی نظام شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید در منطقه آسیای میانه فرصت مناسبی را برای احیای نفوذ چین در این منطقه فراهم ساخت. چین با استراتژی نظام آمرانه روشنگرانه خود در منطقه آسیای میانه می‌کوشد با ایجاد بازارهای آزاد اقتصادی نفوذ خود را افزایش دهد. این امر در خصوص ترکمنستان در دو محور کلی متمرکز می‌باشد:

یک. نگاه‌های امنیتی چین به ترکمنستان: در این نگاه ترکمنستان به دلیل ویژگی‌های قومی و همچنین مذهبی در کمند دو ایدئولوژی اسلام‌گرایی و همچنین پان‌ترکیسم قرار دارد. تحقق هر یک از این دو مورد می‌توان هزینه‌های بین‌المللی و حتی داخلی (مناطق شمال غربی) را برای چین به همراه آورد.

دو. نگاه‌های تجاری به ترکمنستان: رشد صادرات چین به کشورهای آسیای میانه از جمله ترکمنستان علاوه بر ایجاد زمینه نفوذ سیاسی برای این کشور، امکان رشد مناطق کمتر توسعه یافته در غرب چین را فراهم آورده و ضمن تأمین انرژی‌های این منطقه از منابع آسیای میانه بازارهای مطلوبی برای فروش تولیدات صنعتی مناطقی نظیر سین کیانگ مهیا سازد.

از این رو چین در قالب اعطای وام‌های کم‌بهره بلندمدت، احداث کارخانجات سبک و احیای بهره‌برداری از معادن طبیعی ترکمنستان و نیز مشورت‌های دائمی در مسائل سیاسی گام‌های بلندی را به منظور نزدیکی با ترکمنستان برداشته است (روشندل، ۱۳۷۸: ۱۸۲).

۸-۳-۱- همکاری‌های اقتصادی چین و ترکمنستان: در چارچوب برنامه درازمدت همکاری میان دو کشور، چین یک اعتبار ۳۰۰ میلیون دلاری به مدت ۲۰ سال با سود سالیانه ۳٪ در اختیار دولت ترکمنستان قرار دارد، این اعتبار مالی چین با هدف بازسازی مجتمع کود شیمیایی، شهر مرو و ساخت کارخانه شیشه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در چارچوب برنامه همکاری دوجانبه میان چین و ترکمنستان، اخیراً دولت عشق‌آباد اقدام به خرید ۲۰۰ عدد واگون از پکن کرد. ضمن آنکه دو طرف اعلام کرده‌اند که در سال ۲۰۰۹ بهره‌برداری از خط لوله گاز ترکمنستان - چین آغاز کرده است این در

حالیست که قبلاً تمامی واکن‌های مورد نیاز ترکمنستان از روسیه خریداری می‌شد. در این اواخر چین اقدام به رساندن کمک‌های نظامی به ارتش ترکمنستان کرده است. همان‌طور که منابع خبری نیز اعلام کرده اند، چین قصد دارد تجهیز ارتش ترکمنستان را برعهده بگیرد. چین در سال ۲۰۰۸ ارسال تسلیحات و تجهیزات نظامی به ارتش این کشور را آغاز خواهد کرد. در این چارچوب پکن تعهد کرده است که با اختصاص یک اعتبار ۳ میلیون دلاری به وزارت دفاع ترکمنستان تأمین لباس جدید نظامی برای سربازان و افسران ارتش ملی این کشور را به پایان رساند (ماتوی اف، ۱۳۸۶: ۲۱۳).

۹- روابط ترکمنستان با آمریکا

پیش از حمله دولت آمریکا به افغانستان و سرنگونی طالبان، این کشور به شدت از طرح عبور خطوط انرژی ترکمنستان از طریق خاک افغانستان حمایت می‌کرد. این امر زمانی توجیه پذیرتر می‌نمود که آمریکا با اجرای این طرح ضمن کاستن از توان ژئوپلیتیکی ایران و روسیه در زمینه انتقال انرژی آسیای میانه به بازارهای جهانی موجبات تقویت سیاسی و اقتصادی دولت‌های همسو با خود را در منطقه از جمله پاکستان فراهم می‌نمود. از این رو در دوران طالبان شرکت یونیکال آمریکا به عنوان مجری طرح مذاکرات فراوانی را ترتیب داد که در نهایت به نتیجه مشخصی نرسید (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

پس از سقوط طالبان و عدم امکان تحقق طرح ترانس افغانستان آمریکا بدنبال طرح ترانس خزر رفت. واشنگتن مایل است عشق‌آباد را متقاعد کند که خط لوله زیردریایی خزر را بسازد که این کار سودمند و تحقق‌پذیر اعلام می‌شود. مشخصات این طرح انتقال گاز ترکمنستان از بستر دریای خزر به آذربایجان اعلام شده است. این طرح که تحت عنوان ترانس کاسپین مشهور شده است، مورد حمایت شدید ایالات متحده قرار داشته و مقامات آمریکایی در جهت عملی شدن آن در ماه‌های اخیر، علاوه بر افزایش سفر به ترکمنستان سعی در بهبود مناسبات جمهوری آذربایجان با ترکمنستان داشته‌اند. بسیاری از ناظران معتقدند که در گفتگوی ترکمنی - آمریکایی همچنین مسئله حضور نظامی آمریکا در خزر مطرح می‌شود.

شدت حساسیت آمریکا نسبت به تحولات انرژی ترکمنستان در حدی بوده است که ساموئل بودمن وزیر انرژی آمریکا متعاقب اعلام توافق روسای جمهور روسیه، ترکمنستان و قزاقستان برای احداث یک خط لوله جدید انتقال گاز به روسیه، اعلام کرد که این قرارداد یک قرارداد نامطلوب در زمینه متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی می‌باشد. اما علی‌رغم این حساسیت‌ها شرکت گاز پروم روسیه برنامه بلندمدتی را برای گاز ترکمنستان در نظر گرفته و تلاش می‌کند تا صادرات گاز این کشور را تا سال ۲۰۲۸ به ۹۰ میلیارد مترمکعب در سال افزایش دهد. این شرکت روسی در شرایط کنونی نیز ۵۰ میلیارد مترمکعب از مجموع ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز صادراتی ترکمنستان را خریداری می‌نماید.^{۱۷}

۹-۱- بررسی تأثیرات نفوذ آمریکا در ترکمنستان

علیرغم اعلام سیاست بی‌طرفی بین‌المللی از سوی ترکمنستان و پی‌گیری آن در دوران نیازف، روابط میان کشور با نظام بین‌الملل علی‌الخصوص غرب و آمریکا در دوران بردی محمداف دچار انعطاف شده است. افزایش این ارتباطات بی‌شک حساسیت روسیه را برانگیخته و شدت اقدامات این کشور را باعث خواهد شد. آمریکا برای تداوم و گسترش حضور و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در آسیای مرکزی و ترکمنستان نیازمند ثبات و آرامش است، امری که روسیه به راحتی قادر به تغییر آن می‌باشد. وجود حامیان محلی و توان بالای نظامی روسیه در خزر عواملی است که در صورت لزوم به عنوان اهرم فشار روسیه به منظر و تحقق اهداف این کشور به میدان خواهند آمد (شفر، ۱۳۸۱، ۵۹). امری که پس از جنگ گرجستان در تابستان سال ۱۳۸۷ برای همگان مشهود شد.

۹-۲- نظر آمریکا پیرامون موضع ترکمنستان در خزر

در دوران نیازف سیاست بی‌طرفی بین‌المللی ترکمنستان مانع از ظهور گرایش‌های شرقی و یا غربی این کشور می‌شد. این امر در مسائل سیاسی نظیر رژیم حقوقی خزر نیز به چشم می‌خورد. بر اساس رژیم حقوقی سابق خزر، آبهای آن مشاع بوده و بدین

ترتیب زمینه حضور کشورهای سادس در آن غیر ممکن می‌نمود. اما با ظهور گرایش‌های آذربایجان به غرب، انعقاد تقسیمات دو جانبه خروج روسیه از موضع مشترک با یاران و مرگ نیازف زمینه برای تغییر موضع ترکمنستان را فراهم آورد. آمریکا که همواره از طرح تقسیم‌بندی خزر حمایت کرده و آن را وسیله‌ای برای حضور خود در خزر می‌داند از طریق تحریک آذربایجان به منظور برگزاری جلسات مختلف با ترکمنستان در خصوص حل اختلافات مرزی در خزر و دادن برخی امتیازات، این کشور را از اتحاد با ایران در حفظ وضعیت مشاع خزر منصرف ساخته و به سمت قراردادهای ۲ جانبه سوق دهد (نادرپور، ۱۳۸۱: ۲۰۷). در صورت تحقق نظر آمریکا در تقسیم‌بندی خزر ضمن امکان حضور نظامی آمریکا در منطقه، اتصال روسیه و ایران از طریق خزر مسدود شده و راه ارتباطی روسیه با جنوب ایران مهار می‌گردد (امیر احمدیان، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این خصوص بیان شد این است که جمهوری ترکمنستان علاوه بر داشتن موقعیت ژئوپولیتیک و بهره‌مندی از منابع نفت و گاز که بر ژئوپولیتیک آن می‌افزاید از لحاظ سیاست خارجی متمایز از سایر دولت‌های تازه استقلال یافته در آسیای میانه می‌باشد، ترکمنستان با پیگیری سایت‌های بی‌طرفانه در منطقه و نظام بین‌الملل می‌کوشد تا بی‌طرفی اعطا شده از طرف سازمان ملل را همچنان حفظ کند. اگر چه در دوران محمد اف و مطرح شدن مباحثی پیرامون موازنه مثبت تغییراتی در سیاست خارجی این کشور مشاهده شد و ترکمنستان سعی در عضویت در نهاد و سازمان‌های منطقه‌ای کرد که سابقاً در آن‌ها عضویت نداشت. علاوه بر این‌ها اختلافات ترکمنستان و آذربایجان درباره تقسیم دریای خزر باعث شده که آنها برای مالکیت چند حوزه نفتی به شدت با هم اختلاف پیدا کنند، منجر به خدشه‌دار شدن بی‌طرفی این کشور شده و نیز به صرف بسیاری از منابع سیاست خارجی ترکمنستان در جهت حل این مسئله شده است.

ترکمنستان با تمام دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعامل و ارتباط سیاسی - اقتصادی برقرار کرده و در این بین جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. منافع متقابل و موجود بین دو دولت و علاقه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی از جمله عواملی بود که در پایه‌گذاری مناسبات دوستانه دوطرف نقش مؤثری داشت. مهم‌ترین دلایل ویژه اهمیت ترکمنستان برای جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: مرزهای مشترک و طولانی دو کشور، ظرفیت‌های اقتصادی ترکمنستان در زمینه نفت و گاز، موقعیت ترکمنستان در ورود ایران به آسیای مرکزی و موانع مشابه دو کشور در مسائل مختلف از جمله مسائل دریای خزر و همچنین نقش بازیگران فرامنطقه‌ای مثل ترکمنستان که از منظر ایران مانعی در جهت ثبات منطقه و نفوذ ایران می‌شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت‌ها:

- 1 - Kransovodsk
- 2 - Ashkabad
- 3 - Kopet-Dag
- 4 - Linanov
- 5 - Barinov
- 6 - Shafagh
- 7 - Gupkin
- 8 - Lam
- 9 - Cheleken
- 10 - Sardar

۱۱- جهت مطالعه بیشتر به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

www.iransharghi.com

۱۲- جهت مطالعه بیشتر به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

jameston.org/edm/article.php?article_id=2372306

13 - Saparmyrat Niyazov

۱۴- جهت مطالعه بیشتر به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

[eurasianet.org.departments/insight/articles/ear.424.r\(4.24.2007\)](http://eurasianet.org.departments/insight/articles/ear.424.r(4.24.2007)) .

۱۵- جهت مطالعه بیشتر به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

Turkmenstudents.com/modules/xfaction/article.php?articlid:468 .

۱۶- جهت مطالعه بیشتر به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

http://www.oursouthazerbaijan.com/khaber_khazar2.htm

۲۱- جهت مطالعه بیشتر به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

Turkmenstudents.com/modules/xfaction/article.php?articlid;448

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۷۰)، **ملیت‌های آسیای میانه**، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۰)، ایران و دریای خزر در چشم اندازی ژئوپولیتیک، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۳۵.
- ۳- **ایرنا** (۸۶/۹/۱۰)، تأکید ترکمنستان بر اهمیت راه آهن بین‌المللی "قزاقستان - ترکمنستان - ایران".
- ۴- **ایرنا** (۸۷/۸/۲۸)، روابط اتریش و ترکمنستان.

- ۵- بوالوردی، مجید(۱۳۸۵)، بررسی روابط دوجانبه ایران و ترکمنستان، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۸۵.
- ۶- جانوس، باربارا(۱۳۸۶)، کشورهای آسیای مرکزی در سیاست ناتو: چشم انداز همکاری‌های آینده؛ ترجمه سعید طلائی، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۹.
- ۷- **خبرگزاری «نووستی» روسیه**، ۱ خرداد ۱۳۸۷.
- ۸- رابرتز، جان(۱۳۸۱)، نفت و گاز خزر، چقدر پیش آمده ایم و چقدر از راه مانده است؟، **گزیده تحولات جهان**، شماره ۸، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- ۹- روشندل، جلیل و قلی پور، رافیک(۱۳۷۸)، **سیاست و حکومت در ترکمنستان**، وزارت امور خارجه.
- ۱۰- ریو کین، مایکل(۱۳۷۴)، دکترین مونروئه روسیه و ثبات منطقه، **مجموعه مقالات سمینار منابع و ظرفیت‌های آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۱- زرگر، افشین(۱۳۸۶)، منازعات منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر امنیت انتقال انرژی، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۶.
- ۱۲- سارلی اراز، محمد(۱۳۷۳): **تاریخ ترکمنستان**، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۳- شفر برندا(۱۳۸۱)، سیاست‌های ایالات متحده در دریای مازندران، **گزیده تحولات جهان**، شماره ۸، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- ۱۴- شکورپور، اسد(۱۳۸۷)، دریای خزر؛ از نفت تا گاز، **روزنامه ایران**، مورخ ۱۳۸۷/۴/۲.
- ۱۵- شیخ عطار، علیرضا(۱۳۷۱)، **ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۶- عیسی زاده، اکبر(۱۳۸۴)، ایران و پروسه صادرات گاز ترکمنستان، **روزنامه اطلاعات**، مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۱، صفحه ۳ و ۴.
- ۱۷- فرقانی، محمد(۱۳۸۷)، نزدیکی مواضع تهران و عشق‌آباد در خزر/ همکاری ایران و آسیای مرکزی در مبارزه با افراطی‌گری، **خبرگزاری مهر**، مورخ ۱۳۸۷/۶/۹.
- ۱۸- فیاضی، محسن(۱۳۸۶)، رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۶۰.

- ۱۹- قاسمی، علی (۱۳۸۱)، دیپلماسی خط لوله و بازی بزرگ در خزر، **گزیده تحولات جهان**، شماره ۸، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- ۲۰- کاظم پور اردبیلی، حسین (۱۳۷۶)، دریای خزر وضعیت حقوقی و آینده آن، **مجله اقتصاد انرژی**، شماره ۳۰۲.
- ۲۱- کولایی، الهه (۱۳۷۶)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۲- ماتوی اف، آلیکسی (۱۳۸۶)، چین در آسیای مرکزی، شریک یا رقیب روسیه؟، **فصلنامه اخبار صنایع نظامی مسکو**، شماره ۴۷ (۲۱۳).
- ۲۳- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، ایران و تحولات ژئوپولیتیک در منطقه خزر، **روزنامه اطلاعات**، شماره ۲۲۵۱۸، ۸۱/۴/۱۰.
- ۲۴- محمودی، علی (۱۳۸۱)، **شناخت بازار ترکمنستان و راه‌های دستیابی به آن**، تهران: مؤسسه مطالعات بازرگانی.
- ۲۵- نادرپور، بابک (۱۳۸۱)، آمریکا و راهبرد انزوای ایران در منطقه خزر، **گزیده تحولات جهانی**، شماره ۸، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- ۲۶- نرجه، کامران (۱۳۸۰)، بازشناسی همسایگان ایران، **مجله نامه اتاق بازرگانی**، شماره ۳.
- ۲۷- نورولایف، رازی (۱۳۸۱)، نفت و گاز حوضه خزر و قفقاز برآوردها، پیش‌بینی‌ها و پیامدهای زیست محیطی، **گزیده تحولات جهان**، شماره ۸، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی